

رئیس دانشگاه تهران:

هیچ استاداخراجی در دانشگاه تهران نداریم

▲ **آقای رئیس من اخراجی هستم**

زمانی‌که رئیس دانشگاه تهران گفت استاد اخراجی نداریم، برخی متعجب شدند چرا که از وضعت برخی اساتید اطلاع داشتند. کنارگذاشتن برخی اسنادان از تدریس در دانشگاه‌ها رسانه‌ای شد، تقریبا همه دانشگاه‌های کشور سهمی در این ماجرا داشتند و دانشگاه تهران هم بدون سهم نبود. البته که اخراج اسنادان عناوین متعددی به خود گرفت، شاید بیشترین عنوانی که شنیده شد قطع همکاری بود، عنوانی که جای کلمه اخراج نشست تاکنمی از ابعاد ماجراکم کند. حالا رئیس دانشگاه تهران اخراج استاد از دانشگاه را این طور تعریف کرده است:«وقتی از ادعای اخراج استاد نام برده می‌شود به این معناست که قرارداد یک استاد با استخدام رسمی دانشگاه تهران به‌دلایل مختلف به‌صورت یکطرفه لغو‌شود.» تعریفی که تلاش می‌کند همه اسنادان پیمانی یا حق التدریسی که قطع همکاری شدند، را از دایره پرونده اخراجی‌ها خارج کند. «مقیمی» ضمن تعریف کلمه اخراج مدعی شده که «شما اگر یک مورد اخراجی اساتید پیدا کردید، به من معرفی کنید. اماگای کامل دارم که یک جلسه با حضور رسانه‌ها برگزار کنم و با این استاد مدعی اخراج مناظره کنم.» حالا با همین تعریف از اسناد اخراج شده، «آذین موحّد» به خبرنگارناین می‌گوید: «من خودم حاضر هستم در این باره با شخص آقای مقیمی مناظره کنم.» آذین موحّد، دکترای موسیقی و عضو هیات علمی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است (استخدام رسمی) که اظهارداشت که بعد از قطع حقوق و منع تدریس در دانشگاه جلاحکم انفضال از خدمت به او داده‌اند.

▲ **بازی با لغات آقای رئیس**

موحد بیان داشت: آقای مقیمی بالغ‌ها بازی می‌کنند، ایشان از لغت اخراج استفاده می‌کنند درحالی‌که خودشان توضیح می‌دهند که اخراج معنی خاص خود را دارد. پس باید از اینجانب در مورد نه اخراج بلکه ممنوعیت از کار اساتید از طریق تعلق، انفضال و قطع همکاری صحبت کنند. وی درباره وضعیت فعلی خودش می‌گوید: «من الان در انفضال موقت از خدمت هستم. ابتدا حقوق من را قطع کردند، بعد از ۱۰ ماه که حقوق من قطع بود من را تعلق کردند و بعد از آن حکم انفضال از خدمت برایم صادر کردند، البته من به این حکم انفضال موقت اعتراض کردم اما هنوز نمی‌دانم نتیجه آن چه خواهد بود و رای تجدیدنظر چه زمانی صادر خواهد شد. فعلا که ممنوع التدریس هستم.» وی افزود: «از پاییز پارسال تا به امروز دانشگاه از آیین‌نامه تخلفات انضامی وزارت علوم به هیچ وجه استفاده شفافی نکرده‌است لاقلاً در ارتباط با من که هیچکدام از مراحل ذکر شده در آیین‌نامه رایبه‌درستی انجام ندادند، وضعیت من بدون هرگونه رسیدگی حقوقی و قضائی آغاز شد. از آنرا ۱۴۰۱ تاکنون در سکوت کامل دانشگاه و رئیس دانشکده و ادارات مسئول و کلیه عناصر مدیریتی قطع حقوق شدم.»

ویژه

ایران، موضوع دستورکار نشست بعدی اتحادیه اروپا

آرمان ملی؛ یک رسانه انگلیسی با ادعای رویت سندی مربوط به دستورکار نشست بعدی اتحادیه اروپا، مدعی شد که سران کشورهای اروپایی نگران گزارش‌ها درباره احتمال عرضه موشک‌های بالستیک توسط ایران به روسیه برای استفاده در جنگ اوکراین هستند. طبق یک پیش‌نویس دستورکار نشست هفته آتی اتحادیه اروپا، رهبران اروپایی فراسات دربی گزارش‌هایی که در آن ادعا شده است تهران ممکن است به روسیه موشک‌های بالستیک عرضه‌کند، اقداماتی تازه علیه ایران را بررسی کنند. خبرگزاری رویترز با ادعای این که این سند را رویت کرده است، به آن استناد کرده و نوشت: شورای اروپا از کشورهای طرف سوم می‌خواهد که فوراً، پشتیبانی نظامی از جنگ روسیه علیه اوکراین را متوقف کنند. در این پیش‌نویس که مربوط به نشست اتحادیه اروپا در ۲۶ تا ۲۷ مارس (۲۳ تا ۲۴ فروردین) همچنین اشاره شد که «گزارش‌ها درباره احتمال انتقال موشک‌های بالستیک و فناوری‌های مرتبط توسط ایران به روسیه برای استفاده علیه اوکراین بسیار نگران‌کننده است.» همچنین در این سند آمده است: اتحادیه اروپا آماده پاسخ سریع و هماهنگ با شرکای بین‌المللی برای انجام دادن اقدامات قابل توجه تولید علیه ایران است. همچنین طبق این پیش‌نویس، رهبران کشورهای اروپایی از «جوزپ بورل» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و از کمیسوین اروپا درخواست خواهند کرد تحریم‌های بیشتری را علیه بلاروس، کره شمالی و ایران آماده‌کند.

چهارشنبه ۱۴۰۲•۱۲•۲۳

۰۲ رمضان ۱۴۴۵/۱۳ مارس ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۹۱

armanmeli.ir

گزارش «آرمان ملی» از روند تخریب و هجمه‌ها

تندروها؛ از خالص‌سازی تا تخریب



محمد مهاجری در گفت‌وگو با «آرمان ملی»؛

سیل خالص‌سازی قالیباف را خواهد برد

مسعود پزشکیان؛ منتقدان قالیباف

کجای مملکت را توانستند درست کنند؟

خوبی او به خلق گوینم تا هر دو دروغ گفته باشیم» به واقع می‌توان واژه مظلومیت را برای این دو چهره دلسوز مردم و نظام به‌کار برد. چه اینکه مرحوم هاشمی چه در زمان حیات و چه پس از درگذشتش نیز مورد هجمه تندروها قرار گرفته است. البته کسان دیگری نیز در این زمره قرار می‌گیرند، چهره‌هایی چون سیدمحمد خاتمی که سال هاست مورد تخریب و هجمه دلواپسان و خالص‌سازان قرار داشته‌است. چه زمانی که رئیس‌جمهور بود و در رأس دولت اصلاحات قرار داشت و چه زمانی‌که پس از آن در حاشیه سیاست قرار گرفت و به‌نحوی رهبر معنوی جبهه اصلاحات شد؛ هیچگاه از تیررس توپخانه تخریب، اتهام، افترای دلواپسان و تندروها در امان نبوده‌است. حسن روحانی نیز همین روند را داشته و از زمان روی کار آمدن دولتش تاکنون با انواع تهمت‌ها، اتهامات، هجمه‌ها و تخریب‌ها مواجه شده‌است، به نحوی که تندروها و خالص‌سازان عرصه را به قدری تنگ کردند که وی از حضور در مجلس خبرگان نیز بازماند. بااین حال روند تخریب و خالص‌سازی ادامه دارد، هنوز هم متوقف نشده و این بار در خود جریان اصولگرا سرباز کرده‌است.

▲ **دیرروز، امروز و فردا**

شاید اگر تا چند سال پیش صحبت از کنارگذاشتن چهره‌های اسم و رسم دار اصولگرا از سوی جریان تندرو مطرح می‌شد کسی چندان وقعی بدان نمی‌نهاد؛ اما انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ نشان داد که خالص‌سازان با هیچ کسی عقد اخوت نبسته‌اند و برای رسیدن به اهداف و منویات خود حتی از خودی‌ها نیز می‌گذرند. همین شد که در انتخابات ۱۴۰۰ علی لاریجانی که همه او را از جمله اصولگرایان شناسنامه‌دار می‌شناسند ردصلاحیت شد و کنار رفت تا تاثیر و کشتی در آن انتخابات نداشته باشد. حال که ۲

تندروها از تحریف واقعیت خسته نمی‌شوند؟

پروژه جدید تندروها؛ اختلاف بین هاشمی و خاتمی

▲ **محسن هاشمی و خاتمی در مسیر خواست مردم** ▲ **اصلوگرایان در تله بیانیه ۱۱۰ نفر گیر کرده‌اند**

با دیگر اصلاح‌طلبان حرکت کرده و در این بیانیه تا کیدی شرکت در انتخابات نکرده‌اند بلکه خواستار توجه همگام به وضعیت کشور و منافع ملی هستند. «مشرق» نوشت: «بخش مهمی که در سخنان آقای هاشمی حتما باید به آن پرداخته شود؛ حمایت شجاعانه از بیانیه ۱۱۰ امضایی چه‌های نجیب موسوم به «بیانیه روزنه‌گشایی» است. دقت شود که حمایت هاشمی از بیانیه مذکور در حالی صورت گرفته که این بیانیه مخالفان قدتمندی در اردوگاه اصلاحات دارد. مخالفانی آنچنان قدرتمند که توانسته‌اند مواضع شداد و غلاظی علیه بیانیه مذکور بگیرند. آن را بی‌فایده بنامند و از تقلای این بیانیه برای ایجاد انشعاب و افتراق در اردوگاه جریان چپ حرف بزنند.» برداشت اشتباه از اظهارات محسن هاشمی که به نظر می‌رسد تعمدی بوده و تنها در راستای اختلاف افکنی صورت گرفته است. اصلاح‌طلبان با بیانیه ۱۱۰نفر مشکلی ندارند و انتشار آن را در راستای ارایه تحلیل بخشی از اصلاح‌طلبان از شرایط کشور و انتخابات می‌دانند که برداشت محسن هاشمی هم جز این نیست.

▲ **اهداف مشترک محسن هاشمی و خاتمی**

«مشرق» سعی دارد چنین القا کند که اختلاف نظر جدی میان محسن هاشمی با شخصیت‌هایی نظیر سعید حجاریان و محمد خاتمی است و بیانیه ۱۱۰ نفر را گواه برداشت و تحلیل اشتباه خود ذکر کرده و آورده است: «بخش مهمی که در سخنان آقای هاشمی حتما باید به آن پرداخته شود؛ حمایت شجاعانه او از بیانیه ۱۱۰ امضایی چه‌های نجیب موسوم به «بیانیه روزنه‌گشایی» است. دقت شود که حمایت هاشمی از بیانیه مذکور در حالی صورت گرفته که این بیانیه مخالفان قدتمندی در اردوگاه اصلاحات دارد. مخالفانی آنچنان قدرتمند که توانسته‌اند مواضع شداد و غلاظی علیه بیانیه مذکور بگیرند، آن را بی‌فایده بنامند و از تقلای این بیانیه برای ایجاد انشعاب و افتراق در اردوگاه جریان چپ حرف بزنند. در این زمینه می‌توان به یادداشت اخیر سعید حجاریان در نقد بیانیه مذکور نیز اشاره کرد. این در حالی است که خاتمی هم اخیرا به‌صورت رسمی اعلام کرد در انتخابات شرکت نکرده‌است. اما سعید حجاریان چه‌گفته که «مشرق» مطابق سلیقه خود آن را ترجمه کرده است؟ حجاریان نوشته است: «به گمانم شرط لازم گشودن هر روزنه‌ای در قالب یک پروژه سیاسی – فکری منسجم «زمان مندی » است. امروزه عرصه عمومی را برآورده نمی‌بینند.

سال گذشته می‌بینیم دایره خالص‌سازی هانتگ‌تر می‌شود و با انتمام انتخابات مجلس دوازدهم و پیروزی تندروها در تهران آن هم با حداقلی‌ترین رای ممکن از کمترین مشارکت ممکن خالص‌سازان درصدند که این بار افراد بیشتری را غربال کنند و در مهم‌ترین ماموریت به‌دنبال کنارگذاشتن محمدباقر قالیباف هستند تا اگر نتوانستند از حضور وی در بهارستان جلوگیری کنند حداقل با تخطئه، تخریب و هجمه به وی قالیباف را از جمع گزینه‌های ریاست مجلس کنار بگذارند. لذا خالص‌سازی گریبان قالیباف را گرفته‌اند، هر چند که به‌نظر می‌رسد قالیباف هنوز در میان اصولگرایان تا حدی اعتبار دارد و با کمک مستقلین و اعتدالیون راه یافته به مجلس می‌تواند گزینه بالقوه مجلس بعدی باشد.

اما پرسش اصلی اینجاست که دیرروز شهید بهشتی، مرحوم هاشمی، خاتمی، روحانی و در نهایت علی لاریجانی هدف تخریب تندروها بودند؛ امروز محمدباقر قالیباف؛ فردا چه کسی گرفتار خالص‌سازان و تندروهای تخریب‌گر خواهد شد؟ ▲ **سیل خالص‌سازی خودی و غیرخودی نمی‌شناسد**

یک فعال سیاسی اصولگرا در خصوص عملکرد جریان خالص‌ساز اظهار داشت: اتفاقی که از سال ۹۸ کلید خورد

داستان خالص‌سازی و حذف چهره‌های موثر در مسائل

سیاسی و فرهنگی کشور بود و همان موقع نیز می‌شد

پیش‌بینی کرد کسانی‌که این بازی را شروع کردند ممکن

است روزی علیه خودشان تمام شود. محمد مهاجری به

«آرمان ملی » گفت: افرادی مثل آقای قالیباف خوشحال

بودند که رقیبانشان خط می‌خورند یا در سال ۱۴۰۰ آقای

رئیسی خوشحال بود که چندین کاندیدای ریاست جمهوری

را حذف کردند تا وی رای بیاورد. در واقع جریان خالص‌ساز

به‌دنبال آن است که هر مانعی بر سر پیروزی خود را از سر راه

بردارد. وی افزود: این در حالی است که بعد از مدتی ممکن

است همین جریان افرادی که در تیم خودش بودند را مانع

تشخیص دهد. اینکه امروز آقای قالیباف قربانی این داستان

می‌شود به این دلیل است که آقای قالیباف ممکن است

جلوی پیشروی جریان خالص‌ساز را بگیرد. مهاجری بیان

کرد: خود آقای قالیباف هم بی‌تقصیر نیست چراکه وقتی

شما زمینه را برای ترکنازی تندروها فراهم می‌کنید باید بدانید

که وقتی سیل راه می‌افتد خودی و ناخودی نمی‌شناسد و

ممکن است خود آقای قالیباف و حتی پیش‌بینی می‌کنم

که آقای رئیسی را هم در خواهند نوردید و از وی هم عبور

خواهند کرد.

▲ **ریاست قالیباف منطقی‌تر است**

نماینده مردم تبریز در مجلس اظهار داشت: باتوجه به فضای که در روزهای گذشته به وجود آمده، به‌نظر می‌رسد که باید با آقای قالیباف در رابطه موضوع ریاست مجلس دوازدهم صحبت کرد. مسعود پزشکیان گفت: برای تشکیل دوازدهم را رابطه با ریاست مجلس دوازدهم، باید از همه نظرات و دیدگاه‌ها استفاده کرد و نمی‌شود یکجانبه به مسئله نگاه کنیم. وی افزود: اگر قرار باشد افرادی که در روزهای گذشته، اظهارات غیراخلاقی و غیرمنطقی مطرح کردند در قامت ریاست مجلس قرار بگیرند، قطعاً ریاست آقای قالیباف منطقی‌تر به نظر می‌رسد. وی تأکید کرد: اینکه بیایم هنوز از راه نرسیده و کار نکرده، فردی را نقد کنیم که کارهای زیادی انجام داده‌است، منطقی نیست؛ افرادی که به قالیباف نقد می‌کنند، کجای مملکت را توانسته‌اند درست کنند؟

سیاست ۳

گزارش

اصلی‌ترین بحران‌ها در سال ۱۴۰۴ کدام هستند؟

مواجهه با ۳ زنگ خطر

جهان کنونی به نحو قابل‌توجهی با چالش‌افزایش و گسترش آشوب و تنش در بخش‌های مختلف خود روبه‌رو است. موضوعی که سبب شده تا دولت‌های مختلف در اقصی نقاط جهان هرکدام رویه‌ها و سیاست‌های تازه‌ای را در حوزه‌های مختلف حکمرانی خود در پیش گیرند و مطالعات آینده پژوهشی نیز، با محوریت رصد تحولات آتی، با اقبال قابل‌توجهی رو به رو شده‌اند. ایران نیز به‌عنوان یک بازیگر مهم و موثر در منطقه خاورمیانه، با ملاحظات خاصی در نقشه راه حکمرانی خود روبه‌رو است. در این میان، این‌طور به‌نظر می‌رسد که کشور ما در ماه‌ها و سال‌های آتی به‌طور خاص با ۳ چالش مهم روبه‌رو است که تدبیرهای موثر و راهگشا در مورد آنها، بایستی مورد توجه جریان حکمرانی باشد.

▲ **آشفتنگی در حوزه آب**

بحران آب و مدیریت منابع آبی، یکی از مسائل و چالش‌های مهمی است که بی‌توجهی به آن می‌تواند صورت حساب‌های سنگینی را برای ایران در سال‌های آتی صادر کند. ایران در وضعیت کنونی جزو کشورهای منطقه خاورمیانه‌است که با تنش‌های جدی آبی دست به‌گریبان است و البته که اندیشکده منابع آب جهان نیز پیش‌بینی کرده که ایران یکی از ۴۴ کشور خواهد بود که در سال‌های آتی در جهان با وضعیت به‌شدت سخت کمبود منابع آبی مواجه خواهد شد. آمارهایی از این دست در شرایطی ارائه می‌شوند که هنوز در عرصه حکمرانی‌ای کشور، شاهد انجام گرفتن اقدامات معنادار و ریشه‌ای با هدف کاهش دادن وسعت و دامنه بحران آب نیستیم. در این رابطه به‌طور خاص ۳ مشکل و چالش در حوزه حکمرانی آب ایران قابل‌شناسایی است که بایستی برای آن‌ها برنامه‌ریزی‌های لازم صورت گیرد. اولاً: بخش قابل‌توجهی از قواعد و اصول حکمرانی آب در ایران، سنتی و برگرفته از الگوهای حکمرانی آب در کشورهای غربی است. به بیان ساده‌تر، قواعد در این حوزه، قرابت چندانی با واقعیت‌های میدانی آب ایران ندارند و همین مساله سبب شده تا سطح و گستره چالش‌های آبی ایران در طی سال‌های اخیر عمیق و عمیق‌تر شوند. دوم؛ اینکه در حوزه حکمرانی آب مافقط با یک بازیگر مهم و محوری یعنی دولت روبه‌رو هستیم. این در حالی است که حکمرانی آب بایستی با همکاری محوری مردم و دولت به پیش رود. اساساً همین که مردم به مثابه یک‌گستنگر محوری در معادله حکمرانی آب در نظر گرفته نشده‌اند سبب شده تا چالش‌ها و بحران‌ها در این حوزه، عمیق و عمیق‌تر شوند. این در حالی است که اگر مردم نیز در فرآیند حکمرانی آب به نحوی جدی ایفای نقش کنند، این مساله موجب می‌شود تا محدودیت‌ها در این حوزه را به خوبی دیده‌کنند و نقشی موثرتر را در مواجهه با چالش‌های آبی ایفا کنند. سوم؛ اینکه در حوزه حکمرانی آب و خطاب قراردادن چالش‌های اساسی آن، نوعی انفعال تاریخی در چارچوب کلان مشاهده می‌شود. گویی به‌واسطه ماجرا جدیدی گرفته نشده و یا اگر هم جدی گرفته شده، اقدامات میدانی گسترده و عمیقی در این رابطه ماهیت عملیاتی به‌خود نگرفته‌اند و صرفاًشاهد تحکرات محدود ذره‌ای بوده‌ایم. مسائلی که همه و همه می‌توانند سطح بحران آبی را عمق‌تر کنند.

▲ **چشم‌انداز حضور مجدد ترامپ در کاخ سفید**

به‌تازگی رویداد مهم «سه‌شنبه بزرگ» در بجنوبه نزدیک شدن به زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا رخ داد. رویدادی که در قالب آن، کاندیداتوری دونالد ترامپ رئیس‌جمهور اسبق آمریکا به‌عنوان نامزد اصلی جمهوریخواهان در جریان انتخابات سالجاری آمریکا قطعی شد و اکنون او باید با جو بایدن رئیس‌جمهور فعلی این کشور، دوئل سال ۲۰۲۰ خود را تکرار کند. در این چارچوب، بسیاری از نظرسنجی‌ها و البته داده‌ها و واقعیت‌های میدانی حاکی از این است که ترامپ در مقایسه با رقیب دموکرات خود، از وضعیت به مراتب بهتری جهت بازگشت به کاخ سفید برخوردار است. در این رابطه، یکی از مسائلی که ترامپ در حوزه سیاست خارجی آمریکا بارها و بارها به آن اشاره داشته، مساله موثربودن کارزار فشار حداکثری دولت آمریکا علیه ایران و وارونه‌شدن این روند در دوران حضور بایدن در قدرت بوده است. به‌تازگی ترامپ در موضع‌گیری اعلام کرده که جو بایدن، ایران را قدرتمند و ثروتمندتر کرده است. وی تلویحاً به این مساله اشاره کرده که در صورت بازگشت به قدرت، بار دیگر فشارها و تحریم‌های گسترده‌ای را علیه ایران مطرح خواهد کرد و کارزار فشارحداکثری علیه تهران را احیا می‌کند. از این رو، به نظر می‌رسد که سناریوی اصلی جریان حکمرانی کشور نیز بایستی بازگشت ترامپ به قدرت باشد و برای آن برنامه‌ریزی‌های لازم صورت گیرد.

▲ **عممای تقویت کارآمدی و سرمایه اجتماعی**

باید گفت که در سال‌های اخیر، متأسفانه شاهد تضعیف سرمایه اجتماعی بوده‌ایم. موضوعی که تا حد زیادی ناشی از ناکارآمدی و سوءمدیریت‌های اقتصادی و اثرگذار این مساله بر معیشت مردم بوده است. در این راستا، در جریان انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و همچنین ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری، بسیاری بر این نکته تأکید داشتند که طیف‌هایی از جامعه با صندوق رای قهر کرده‌اند و این قهر آن‌ها نیز ناشی از نارضایتی آن‌ها به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی است. تردیدی نیست که مردم یکی از ستون‌های اصلی انقلاب اسلامی ایران هستند و هر زمان که حاض آن‌ها در صحنه تضعیف شود، این مساله تاثیرات مستقیم خود را بر بنیان‌های قدرت و منافع ملی کشور نیز نشان خواهد داد. از این رو، نظام حکمرانی بایستی تقویت مولفه کارآمدی و عیان شدن جلوه‌های عینی این مساله در زندگی روزمره مردم را در دستورکار خود داشته باشد. موضوعی که در سطح کلان می‌تواند سرمایه اجتماعی کشور را نیز تا حد زیادی تقویت کند.